

Adapting the Approach of Rationalists and Formalists in the Why of Prohibition of Rationalization in God's Essence

Ali Qadrdan Qaramaleki ¹

1. Assistant Professor Islamic Studies Department, Tabriz University, Tabriz, Iran.
a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2024.08.23 Accepted: 2024.10.02	One of the important issues of theology is to know the essence of the Supreme Being, which is prohibited from thinking and reasoning in this field in religious texts. This prohibition has caused questions to be raised about the why of prohibition of rationalization in God's Essence. What meant in this research lies in the comparative study of the reason of prohibition of rationalization in the Essence of God in two rationalist and formalist approaches. The research method of the study is problem-oriented, theoretical and deals with the development of previous data. The information needed for this research has been collected through library study and especially in religious texts and intellectual analysis. The findings of this research show that epistemological philosophies that imply the incomprehensibility of God's Essence and the limitation of reason in knowing God's Essence, and non-epistemic philosophies that avoid creating problems and misleading consequences and know prohibition as restricted to nonexperts only, have viewed religious texts to discuss the prohibition.
Keywords	Prohibition of thought in the Essence of God, the Why of Prohibition of thought, the Essence of God, Epistemic Philosophies, Non-Epistemic Philosophies, Rationalists, Formalists.
Cite this article:	Qadrdan Qaramaleki, Ali (2024). Adapting the Approach of Rationalists and Formalists in the Why of Prohibition of Rationalization in God's Essence. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 20 (3). 77-98. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4
DOI:	https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تطبيق نظرة المنهجين العقلانية والظاهرية في فلسفة منع التعقل في ذات الله

علي قدردان قراملكي^١

١. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز، تبريز، ايران.

a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

ملخص البحث	معلومات المادة
من أهم المسائل في معرفة الله هو معرفة ذات الله تعالى، حيث تحذر النصوص الدينية من التفكير والتعقل في هذا المجال. هذا الحظر أثار تساؤلات حول فلسفة نهى العقل عن الخوض في ذات الله. و مسألة هذه الدراسة هي مقارنة فلسفة منع العقل عن التعقل في فهم ذات الله بين المنهجين العقلانية والظاهرية. المنهج المتبع في هذا البحث هو منهج نظري و قائم على حل المشكلات، ويهدف إلى تطوير الأفكار السابقة. وقد تم جمع البيانات اللازمة لهذا البحث من خلال المصادر الموجودة في المكتبات، وخاصة النصوص الدينية، بالإضافة إلى التحليل العقلي. أظهرت نتائج هذه البحث أن الفلسفات المعرفية (العقلانية) التي تنطوي على عدم إدراك ذات الله وقصور العقل البشري في فهمها، والفلسفات غير المعرفية (السببية) التي تحذر من العواقب السلبية للتفكير في ذات الله وتحرم التفكير على غير المتخصصين قد سببت منع التعقل في ذات الله في النصوص الدينية.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٢/١٨ تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٣/٢٨
منع التعقل في ذات الله، فلسفة تحريم التفكير، ذات الله، الفلسفات المعرفية، الفلسفات غير المعرفية، العقلانية، الظاهرية.	الألفاظ المفتاحية
قدردان قراملكي، علي (١٤٤٦). تطبيق نظرة المنهجين العقلانية والظاهرية في فلسفة منع التعقل في ذات الله. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢٠ (٣). ٩٨ - ٧٧. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4	الاقتباس:
https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية. قم: ايران.	الناشر:



تطبیق رویکرد عقل‌گرایان و ظاهرگرایان در فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا

علی قدردان قراملکی^۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۹۸ - ۷۷)  تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ واژگان کلیدی	یکی از مسائل مهم خداشناسی، شناخت ذات باری تعالی است که در متون دینی از تفکر و تعقل در این زمینه منع شده است. این ممنوعیت سبب شده تا سؤالاتی درباره فلسفه نهی و منع از خردورزی در ذات خدا ایجاد شود. مسئله این تحقیق بررسی تطبیقی فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا در دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه است. روش تحقیق در این پژوهش مسأله محور، نظری است و به توسعه داده‌های پیشینی می‌پردازد. اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و به ویژه در متون دینی و تحلیل عقلی اصطیاد شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فلسفه‌های معرفتی (دلیل‌گرایانه) که به ادراک‌ناپذیری ذات خدا و محدودیت عقل در شناخت ذات خدا دلالت دارند و فلسفه‌های غیر معرفتی (علت‌گرایانه) که از ایجاد مشکلات و پیامدهای ناگوار و اختصاص منع از تفکر به غیر متخصصان حکایت دارند، موجب شده‌اند تا متون دینی به منع از تفکر در ذات الهی بپردازند.
استناد: کد DOI: ناشر:	منع تفکر در ذات‌خدا، فلسفه منع از تفکر، ذات‌خدا، فلسفه‌های معرفتی، فلسفه‌های غیر معرفتی، عقل‌گرایان، ظاهرگرایان. قدردان قراملکی، علی (۱۴۰۳). تطبیق رویکرد عقل‌گرایان و ظاهرگرایان در فلسفه منع از خردورزی در ذات‌خدا. اندیشه نوین دینی. ۲۰ (۳). ۷۷ - ۹۸. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4 https://doi.org/10.22034/AUTUMN.4 دانشگاه معارف اسلامی. قم: ایران.

طرح مسئله

تعقل و تفکر از جمله اوصاف انسان است که در متون دینی نیز به اهمیت این دو و ارزش فراوان آن اشاره شده است. در قرآن کریم بارها مردم به تفکر توصیه شده‌اند: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۱ (مؤمنون / ۸۰)، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۲ (بقره / ۲۴۲)، «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»^۳ (آل عمران / ۱۱۸)، و از آنان خواسته شده تا در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر و تدبر داشته باشند: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۴ (آل عمران / ۱۹۱). با وجود اهمیت بسیار بالای تفکر و تعقل و تأکید متون دینی به آن، مشاهده می‌شود که در مسئله شناخت و معرفت کُنه خدا، ادله نقلی متعددی از تفکر و تعقل نهی کرده و از انسان‌ها می‌خواهند تا درباره ذات الهی به تفکر نپردازند. چنان‌که از رسول خدا ﷺ نقل شده: «تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ قَدْرَهُ»^۵ (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸۹) و آن حضرت ﷺ در جایی دیگر می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ»^۶ (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸۹). امام باقر ﷺ نیز مردم را از تفکر درباره خدا برحذر داشته است: «إِيَّاكُمْ وَالتَّفَكُّرَ فِي اللَّهِ»^۷ (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۹۳).

در اینجا سؤالی در ذهن ایجاد می‌شود که چرا و به چه علتی نباید درباره ذات الهی تفکر کرد؟ چه راز و حکمتی در این نواهی نهفته که اجازه خوض در ذات باری تعالی به انسان‌ها داده نشده است؟ اندیشمندان و محققان فراوانی به مسئله نهی از تأمل در ذات پروردگار پرداخته‌اند؛ لیکن کمتر به فلسفه این نهی‌ها و چرایی منع از تفکر در ذات الهی و به‌ویژه به‌صورت تطبیقی میان دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه پرداخته شده است.

از آنجاکه از سویی تحقیق جامعی در خصوص فلسفه منع از خردورزی درباره ذات خدا انجام نشده و از سوی دیگر اندیشمندان مختلف با مبانی و رویکردهای متفاوتی به تبیین و تحلیل روایات ناهی از تفکر در ذات خدا پرداخته‌اند، بر آن شدیم تا در این تحقیق به‌صورت تطبیقی به بررسی و ارزیابی فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا در دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه بپردازیم.

باتوجه به مطالب یاد شده مشخص می‌شود که این تحقیق، تحقیقی نظری و مسئله‌محور است که

۱. آیا اندیشه نمی‌کنید.

۲. شاید خردمندی کنید.

۳. اگر اندیشه کنید.

۴. و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.

۵. در مخلوقات تفکر کنید و در خالق تفکر نکنید، زیرا شما قدر و منزلت خالق را نمی‌دانید.

۶. درباره هر چیزی تفکر کنید ولی درباره ذات خدا تفکر نکنید.

۷. از تفکر در خدا برحذر باشید.

اطلاعات موردنیاز آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و به‌ویژه متون دینی و همچنین تأملات و تحلیل‌های عقلی اصطیاد شده و نتایج این تحقیق به توسعه یافته‌های گذشتگان کمک می‌کند.

پیش از ورود به تحقیق لازم است تا به‌صورت مختصر به تبیین دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه پرداخته شود. ویژگی مهم رویکرد ظاهرگرایی، اعتنای فوق‌العاده به ظواهر متون دینی در فهم معارف است. ظاهرگرایان تنها منبع فهم اصول و فروع دینی را ظواهر احادیث و آیات قرآن می‌دانند و نه تنها در فهم این متون بر ظاهر آن جمود داشته و عقل را دخالت نمی‌دهند، بلکه در شناخت اصول اعتقادی نیز برای عقل اعتباری قائل نیستند (جبرئیلی، ۱۳۸۵: ۲۸۴). البته ظاهرگرایان همگی در یک سطح از مخالفت با عقل نیستند و برخی استدلال‌های بدیهی عقلی را می‌پذیرند؛ اما توجه به ظاهر و بی‌اعتبار انگاشتن استدلال‌های عقلی و به‌ویژه کلامی و فلسفی شاخصه مشترک آنان است (زرین‌کوب، ۱۴۰۰: ۲۶۸؛ خسروپناه، ۱۳۸۳: ۷۱). اهل حدیث و اشاعره در اهل تسنن و اخباریون و پیروان نگره تفکیک در میان امامیه از جمله ظاهرگرایان هستند.

در مقابل روش عقل‌گرایی قرار دارد که در مقابل روش ظاهرگرایی قرار گرفته و برای عقل در فهم معارف دینی نقش مستقل و کلیدی در نظر می‌گیرد. در این رویکرد استدلال‌های منطقی و عقلی برای اثبات باورهای دینی معتبر قلمداد می‌شوند و لازم نیست تا متون دینی، به تأیید عقل بپردازد. (برخلاف اشاعره که از عقل بهره می‌برند؛ اما آن را کاملاً تابع نقل و شریعت می‌دانند). پیروان این رویکرد نیز در سطح یکسانی قرار نداشته و برخی در معرفت دینی صرفاً از روش عقلی بهره برده و ظواهر متون دینی را به‌صرف مخالفت با عقل، تأویل و تفسیر می‌کنند. برخی نیز عقل را در کنار نقل به‌عنوان یکی از ابزارهایی که انسان را برای رسیدن و کشف وحی کمک می‌کند، معتبر می‌دانند (ر. ک: مفید، ۱۴۱۴: ۷۹۸؛ خسروپناه، ۱۳۸۳: ۷۶ - ۷۴). معتزله در میان اهل تسنن و متکلمان فلسفی (کلام فلسفی) در امامیه و فلاسفه از جمله عقل‌گرایان هستند.

پیشینه تحقیق

موضوع تحقیق حاضر بررسی فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا در دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه است. پس از فحص و تحقیق فراوان، نگارنده اثری که تنها به این مسئله و به‌خصوص به‌صورت تطبیقی میان دو رویکرد و همچنین نگاه انتقادانه به فلسفه‌هایی که ریشه در ظاهرگرایی دارند پرداخته باشد، مشاهده نکرد؛ اما باتوجه به وجود روایات متعدد درباره عدم تفکر درباره ذات خدا، اندیشمندان و محققان فراوانی در لابه‌لای آثار خویش و گاهی به‌صورت مستقل به این مسئله پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ردیف	نام اثر	نام محقق	تاریخ تحقیق	توضیحات
۱	امتناع معرفت کنه ذات و صفات الهی در نهج البلاغه	نصرت نیل ساز، مجید معارف و زهره بابااحمدی میلانی	۱۳۹۲	در این مقاله به عدم امکان معرفت ذات باری تعالی با محوریت سخنان حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه پرداخته شده و به فلسفه این منع و به ویژه در رویکرد ظاهرگرایی و نقد آن پرداخته نشده است.
۲	مقارنه در روایات منع تفکر در ذات خدا با روایات وصول به حق از طریق تفکر در ذات خدا	سید محمد نوراللهی و سید حسن میرنوراللهی	۱۳۹۳	این مقاله در صدد است تا تعارض ظاهری میان دو دسته روایات را (روایات ناهی از تفکر درباره خدا و روایاتی که به تفکر درباره خدا سفارش کرده اند) مرتفع سازد و به فلسفه منع تفکر درباره خدا نپرداخته است.
۳	نقد و بررسی گفتمان امکان یا امتناع شناخت خدا	سید مرتضی حسینی شاهرودی و فرزانه رنجبرزاده	۱۳۹۷	این مقاله پس از تبیین امتناع شناخت ذات خدا به نقد و بررسی دیدگاه اشاعره مبنی بر امکان شناخت خدا پرداخته و در نهایت نیز به ارزش شناسی براهین اثبات خدا پرداخته است و به فلسفه نهی از تفکر در ذات خدا نپرداخته است.
۴	توحید در قرآن	آیت الله عبدالله جوادی آملی	۱۳۸۳	در بخشی از این کتاب به مسئله عجز از اکتناه ذات و صفات ذاتی خدا پرداخته شده است و به فلسفه نهی از تفکر در خدا اشاره نشده است.
۵	بحار الأنوار	علامه مجلسی	قرن ۱۱	علامه مجلسی بابی از کتاب خویش را با عنوان «النهی عن التفکر فی ذات الله تعالی و الخوض فی مسائل التوحید» به مسئله نهی از تفکر در ذات خدا اختصاص داده و به توضیح این روایات پرداخته است.

نوآوری های تحقیق

تحقیق حاضر از جهت های مختلفی دارای نوآوری است که به آنها در جدول زیر اشاره می شود.

ردیف	نوآوری‌ها	توضیحات
۱	نوآوری در موضوع	همان‌گونه که بیان شد، موضوع تحقیق پیش‌رو به‌صورت خاص فاقد پیشینه است و برای نخستین‌بار در این تحقیق به مسئله فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا در دو رویکرد عقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه پرداخته می‌شود.
۲	نوآوری در ساختار	در این تحقیق فلسفه منع از تفکر در ذات الهی به دو قسم فلسفه‌های معرفتی (دلیل‌گرایانه) و فلسفه‌های غیرمعرفتی (علت‌گرایانه) تحلیل شده که برای نخستین بار فلسفه منع تفکر در ذات خدا در این قالب مطرح می‌شود.
۳	نوآوری در محتوا	در این تحقیق پس از فحص فراوان در آثار اندیشمندان و محققان و همچنین تأمل در روایات وارده در مسئله، فلسفه‌های منع از تفکر در ذات خدا اصطیاد و مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین نگارنده به نقد و ارزیابی برخی از فلسفه‌ها پرداخته است که برخی از آنها حاصل تأملات خود بوده و از جای دیگری اقتباس نکرده است. همچنین نگارنده در بخش ایجاد مشکلات و پیامدهای ناگوار، مسئله «محدودپنداری خدا» را طرح کرده است.

فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا

در متون دینی از تفکر در ذات و کنه الهی منع شده است. با مطالعه این متون دینی و تفکر در مسئله، به نظر می‌رسد فلسفه و حکمت‌های این منع را می‌توان در قالب فلسفه‌های معرفتی و فلسفه‌های غیر معرفتی تحلیل کرد.

۱. فلسفه‌های معرفتی (دلیل‌گرایانه)

بخشی از فلسفه‌های منع از تفکر در ذات الهی، فلسفه‌های معرفتی هستند که به‌خاطر دلایل علمی و مسائل معرفتی از تفکر در ذات خدا نهی شده است. این ادله در دو قسم «ادراک‌ناپذیری ذات خدا» و «محدودیت عقل و کارکرد آن» تحلیل می‌شوند.

یک. ادراک‌ناپذیری ذات خدا

ادراک‌ناپذیر بودن ذات خدا مهم‌ترین و اصلی‌ترین فلسفه معرفتی منع از خردورزی و تفکر در ذات الهی است. هنگامی که ذات خدای متعالی قابل ادراک نیست، تأمل و تفکر درباره آن هیچ‌گاه به علم و آگاهی منتهی نخواهد شد و به همین دلیل متون دینی از تفکر و خردورزی در مسئله ذات الهی نهی و منع کرده‌اند.

البته برخی از متکلمان اشاعره به مخالفت با ادراک‌ناپذیر بودن ذات خدا پرداخته و معتقدند که ذات

الهی را می‌توان شناخت (جرجانی، ۱۳۳۵: ۸ / ۱۴۴ - ۱۴۳). طبق نظر و مبنای این دسته از متکلمین، فلسفه نهی از تفکر در ذات خدا، ادراک‌ناپذیری ذات خدا نیست. در ادامه به بررسی این مسئله می‌پردازیم.

الف) ادله ادراک‌ناپذیری ذات خدا

بیشتر اندیشمندان دارای رویکرد عقل‌گرا و همچنین بخشی از پیروان ظاهرگرایی به ادراک‌ناپذیری ذات خدا باور دارند و معتقدند به همین سبب از تفکر در ذات الهی منع شده است. البته اندیشمندان عقل‌گرا و ظاهرگرا در چرایی و علت ادراک‌ناپذیری ذات خدا دارای اشتراک نیستند.

ظاهرگرایان به موجب ظواهر متون دینی به این مهم باور دارند. از نظر آنان با مراجعه به متون دینی روشن می‌شود که ذات اقدس الهی قابل ادراک نبوده و انسان نباید درباره آن به تفکر و خردورزی بپردازد. عقل‌گرایان ضمن پذیرش این دسته از متون دینی، معتقدند که عقل نیز به ادراک‌ناپذیری ذات خدا حکم می‌کند و مجموع ادله نقلی و عقلی بر این مسئله دلالت دارند.

۱. ادله نقلی ادراک‌ناپذیری ذات خدا

ادله نقلی فراوانی به غیر قابل درک بودن ذات الهی اشاره دارند که می‌توان آنها را در اقسام مختلفی تحلیل کرد.

الف) فراتر بودن ذات خدا از عقل و تجربه: در روایات مختلفی از فراتر بودن ذات خدا از عقل و تجربه حکایت شده است. چنان‌که از امام علی علیه السلام نقل شده که ذات الهی در مقامی است که برترین و عمیق‌ترین اندیشه‌ها به او دسترسی ندارند: «الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمِّمْ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ»^۱ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا يُدْرِكُ يَالْحَوَاسِ الْخَمْسُ لَا تُدْرِكُهُ الْأَوْهَامُ»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۸۱). از امام رضا علیه السلام نیز گزارش شده که عقل انسان در شناخت ذات الهی گمراه شده و وهم انسان از احاطه بر ازلیت خدا حیران می‌گردد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۲۲) و قریب به همین مضمون نیز از امام علی علیه السلام نقل شده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۷).

ب) مخلوقیت تمام افکار: طبق برخی روایات، تمام تصورات و افکار انسانی مخلوق و نیازمند هستند؛ درحالی‌که ذات الهی، خالق و غیر نیازمند است، لذا آنچه تصور شده، قابل تطبیق بر خدای متعالی نیست (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۶ / ۲۹۳). بنابراین آنچه که انسان در ذهن خود از خدا تصور می‌کند، در حقیقت تصویری است که خود ساخته و به سبب عدم مطابقت با خدا، تصویر حقیقی او نیست، لذا انسان هیچ‌گاه نخواهد توانست به تصویر حقیقی از ذات خدا دست یابد. به همین مضمون ادله نقلی وارد شده که از عدم

۱. خدایی که بلندی همّت‌ها او را در نیابد و ژرفی اندیشه‌ها به او نرسد.

۲. خدا با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود و وهم‌ها نمی‌توانند او را درک کنند.

احاطه مخلوق به خالق حکایت دارند. طبق آیه شریف «وَهُوَ الْغَاثِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ»^۱ (انعام / ۱۸)، خدای متعالی فوق بندگانش است و بندگان به او دسترسی ندارند.

۲. ادله عقلی ادراک‌ناپذیری ذات خدا

در کنار ادله نقلی ادراک‌ناپذیری ذات اقدس الهی، ادله عقلی متعددی نیز بر این مهم دلالت دارند. در اینجا به ادله‌ای پرداخته می‌شود که از استحاله ادراک‌پذیری ذات خدا حکایت دارند. در صفحات آتی نیز به ادله‌ای پرداخته خواهد شد که به قصور و محدودیت عقل در ادراک ذات الهی اشاره دارند.

الف) تصورناپذیر بودن ذات اقدس الهی: تفکر درباره یک موضوع، فرع بر تصور آن است و بدون تصور امکان تفکر درباره آن وجود ندارد. از آنجا که ذات باری تعالی قابل تصور نیست، لذا تفکر درباره آن حضرت امکان‌پذیر نیست (فخر رازی، بی‌تا: ۱ / ۲۳۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۴). توضیح آنکه، ذات الهی بسیط محض، نامتناهی، عین تشخیص و تعین، بدون مفهوم، بدون مثل و مشابه، بدون ضد و بدون ماهیت و حد وجودی است. چنین موجودی قابل تصور نیست و با تصور آن، این خصایص و ویژگی‌ها از بین خواهند رفت، لذا آنچه که تصور شده قابل تطبیق بر ذات الهی نبوده و در حقیقت تصویر خدا نیست (مازندرانی، بی‌تا: ۳ / ۲۰۴؛ صدرالمتألهین، ۱۳۷۸: ۵۵).

ب) ایجاد انقلاب در ذات: یکی دیگر از ادله ادراک‌ناپذیری ذات خدا، ایجاد انقلاب در ذات است. طبق این استدلال ذات باری تعالی وجود محض و فاقد ماهیت است. خدا عرض نیست و فاقد هرگونه صورت و شکلی است. در صورتی که چنین ذاتی قابل تصور باشد، به سبب تصور و حضور در ظرف ذهن، دارای ماهیت خواهد بود. همچنین عارض بر ذهن گشته و دارای صورت ذهنی می‌شود (همو، ۱۳۶۰: ۲۳ - ۲۲). براین اساس، تصور ذات اقدس الهی به انقلاب در ذات منجر خواهد شد. یعنی خدایی که فاقد ماهیت، عرض و صورت است، منقلب شده و دارای این ویژگی‌ها می‌شود. از آنجاکه انقلاب در ذات محال است، لذا تصور خدا نیز که به انقلاب در ذات منجر می‌شود، محال خواهد بود (همو، ۱۳۷۵: ۲۶).

ج. عدم سنخیت میان ذات خدا و مدرکات انسان: یکی دیگر از ادله ادراک‌ناپذیری ذات الهی عدم سنخیت میان ذات خدا و مدرکات انسان است. طبق این دلیل، باید میان علم و معلوم سنخیت برقرار باشد و از آنجاکه ذات باری تعالی نامحدود و نامتناهی است و علم و دانش انسان محدود و متناهی است، این دو هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند و لذا تصور و تفکر در ذات باری تعالی امکان‌پذیر نیست^۲ (قونوی، ۱۳۸۱: ۳۵).

۱. خداست که کمال اقتدار و توانایی را بر بندگان دارد.

۲. دلیل دیگری که بیشتر محققان به آن اشاره کرده‌اند و در ادامه نیز خواهد آمد، عدم احاطه عقل محدود بر ذات نامحدود خداست؛ اما در این دلیل حد وسط عدم سنخیت است که نتیجه آن نه محدودیت عقل از ادراک، بلکه ادراک‌ناپذیری ذات اقدس الهی است.

به دیگر سخن، تصویری که از خدا در ذهن انسان قرار دارد، یا قابل انطباق بر خداست و یا قابل انطباق نیست. در صورت دوم، تصویری غلط است که گمان شده خدا تصور شده و در حقیقت چیز دیگری تصور شده است و در صورت نخست، باید گفت به سبب محدودیت و تناهی تصور ذهنی و صحت تطبیق آن بر موجود خارجی، موجود خارجی نیز محدود و متناهی است. از آنجا که خدا قطعاً نامحدود و غیر متناهی است، لذا تصور خدا امکان‌پذیر نیست.

ب) ادله ادراک‌پذیری ذات خدا

برخی از اندیشمندان که معمولاً دارای رویکرد ظاهرگرایانه هستند (نظیر اشاعره)^۱ به ادراک‌پذیری ذات خدا معتقد شده‌اند (ر. ک: فخر رازی، ۱۴۲۷: ۴۳۹). قائلان به ادراک‌پذیری ذات الهی به ادله‌ای تمسک کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) عینیت وجود و ذات الهی: یکی از ادله ادراک‌پذیر بودن ذات خدا، عینیت وجود و ذات الهی است. از آنجا که وجود خدا عین ذات اوست، شناخت وجود خدا به معنای شناخت ذات خداست. در صورتی که وجود خدا شناخته شود؛ اما ذاتش معلوم نباشد، به این معناست که یک موجود به اعتبار واحدی هم معلوم و هم مجهول باشد. از آنجا که این سخن قطعاً باطل است، لذا باید گفت چنان که وجود خدا ادراک‌پذیر است، ذات او نیز قابل ادراک است (همان).

ب) تلازم میان رؤیت و ادراک خدا در قیامت: از دیگر ادله ادراک‌پذیری ذات خدا که مورد تمسک اندیشمندان اشعری مذهب است، مسئله رؤیت خدا در روز قیامت می‌باشد. این گروه بر اساس ظواهر متون دینی (اعراف / ۱۴۳؛ احزاب / ۴۴) معتقدند که انسان‌ها در روز قیامت خدای متعالی را مشاهده می‌کنند (اشعری، ۱۳۹۷: ۴۱). از آنجا که با مشاهده، علم حاصل می‌شود، لذا پس از مشاهده ذات الهی در روز قیامت، انسان‌ها عالم به ذات الهی می‌شوند. از آنجا که در دنیا حق تعالی مشاهده نمی‌شود، لذا علم به ذات الهی به سرای آخرت اختصاص داشته و در دنیا نمی‌توان ذات خدا را شناخت (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۴ / ۲۱۴).

ج) فرعیت تصدیق بر تصور: از جمله استدلال‌ها بر ادراک‌پذیری ذات خدا این است که یا ذات الهی قابل تصور است و یا قابل تصور نیست. اگر حکم به امکان تصور ذات الهی داده شود، ادراک‌پذیری ذات خدا ثابت می‌شود؛ اما اگر حکم به استحاله و عدم ادراک‌پذیری ذات خدا شود، از آنجا که ارائه حکم منوط به تصور است، در اینجا ابتدا ذات الهی تصور شده و سپس حکم به استحاله ادراک آن شده است. این بدین معناست که از سویی ذات الهی تصور شده که برای آن حکمی صادر شده و از سوی دیگر حکم صادر شده عدم امکان تصور است! این مطلب تناقض و محال است. به عبارت دیگر، تصدیق فرع بر تصور است و

۱. البته برخی از معتزلیان که عقل‌گرا هستند نیز به ادراک‌پذیری ذات الهی معتقد شده‌اند.

افرادی که استحاله تصور ذات خدا را تصدیق می‌کنند، در حقیقت ذات خدا را تصور کرده‌اند، لذا تصور ذات خدا ممکن است (فخر رازی، ۱۹۸۶: ۱ / ۳۱۰).

د) شناخت صفات الهی: انسان‌ها اوصاف الهی از قبیل وجود داشتن، قدیم بودن، دوام داشتن، واجب بودن، وحدت داشتن و ... را می‌شناسند. در صورتی که ذات الهی برای انسان‌ها معلوم نبود، آنان نمی‌توانستند تشخیص دهند که این ذات دارای این اوصاف هست یا نیست؛ اما از آنجاکه صفات الهی برای انسان‌ها معلوم است، لذا ذات الهی نیز برای انسان‌ها معلوم است (همان).

نقد و بررسی

برای اثبات ادراک‌پذیری ذات الهی استدلال‌هایی ارائه شد که با تأمل در آنها نکاتی به شرح زیر به نظر می‌رسد:

الف) تفکیک میان علم به وجود ذات خدا و علم به حقیقت ذات خدا: در استدلال «عینیت وجود و ذات الهی» آمده که انسان‌ها علم به وجود داشتن خدا دارند و از آنجاکه وجود خدا عین ذات اوست، لذا باید علم به ذات نیز داشته باشند. این در حالی است که طبق این استدلال باید گفته شود که به سبب علم انسان به وجود داشتن خدا و عینیت وجود و ذات، انسان‌ها علم به وجود داشتن ذات دارند و براهین اثبات خدا نیز ناظر بر این مطلب هستند. ادراک‌ناپذیری ذات الهی به معنای انکار وجود خدا نیست، بلکه بدین معناست که پس از پذیرش اصل وجود خدا، کنه و حقیقت ذات او برای انسان قابل ادراک نیست. همچنین این سخن که «یک موجود به اعتبار واحدی هم معلوم و هم مجهول است»، باطل است، زیرا به اعتبار واحد نیست و معلوم بودن ذات الهی به اعتبار وجود داشتن آن و مجهول بودنش به اعتبار حقیقت و کنه ذاتش است.

ب) استحاله رؤیت‌پذیری خدا: یکی از استدلال‌ها برای علم انسان به ذات خدا، رؤیت خدا در روز قیامت است. باتوجه به استحاله رؤیت‌پذیری خدا، به تبع این استدلال نیز مردود می‌شود. ادله استحاله رؤیت‌پذیری خدا در جاهای دیگر اثبات شده و برای دور نشدن از موضوع از ذکر آنها پرهیز می‌شود (ر. ک: حلی، ۱۴۱۳: ۵۲ - ۴۶).

ج) تفکیک میان علم تفصیلی و اجمالی: در دو استدلال پایانی از حکم به مجهول بودن ذات خدا و معلوم بودن صفات خدا برای انسان استفاده شده تا معلوم بودن ذات نتیجه گرفته شود. این درحالی است که به سبب عینیت ذات و صفات و عدم ادراک‌پذیری ذات، اساساً صفات خدا نیز به صورت تفصیلی قابل درک برای انسان‌ها نیستند. آنچه از صفات در تصور انسان است، به صورت اجمالی و مرتبه ضعیفی است که به صورت «اثبات بدون تشبیه» تصور می‌شود. نظیر خواص و آثاری که در مواد غذایی و داروها وجود دارد

که فرد غیر متخصص با وجود عدم علم به چیستی و حقیقت این خواص و نحوه تأثیر آنها، از اصل وجود آنها آگاه و با مصرفشان از فوایدشان بهره‌مند می‌شود (فخررازی، ۱۹۸۶: ۱ / ۳۱۰).

د. عدم پابندی به رویکرد ظاهرگرایانه: اندیشمندان اشاعره که به ادراک‌پذیری ذات الهی باور دارند، به ادله‌ای نظیر «عینیت وجود و ذات الهی» و «فرعیت تصور بر تصدیق» تمسک کرده‌اند که استدلال‌های عقلی محض هستند و با رویکرد و روش ظاهرگرایانه این گروه سازگار نیست. در صورت پذیرش استدلال عقلی، ادله ادراک‌ناپذیری ذات خدا نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

دو. محدودیت عقل و کارکرد آن

ازجمله فلسفه‌های معرفتی منع از خردورزی در ذات خدا، محدودیت و عدم دستیابی ادراک انسانی به ذات باری تعالی است. انسان‌ها به سبب نقص معرفتی، توانایی شناخت و ادراک ذات خدا را ندارند. این فلسفه به محدودیت عقل پرداخته و فلسفه پیشین به ادراک‌ناپذیری ذات خدا پرداخته بود. به دیگر سخن در این فلسفه، فاعلیت فاعل مورد خدشه قرار گرفته و مشخص می‌شود که عقل انسان توانایی و قابلیت درک ذات باری تعالی را ندارد؛ اما در ادراک‌ناپذیری ذات خدا قابلیت قابل مورد ارزیابی قرار گرفت و مشخص شد ذات خدا موجودی است که در تصور انسان قرار نمی‌گیرد.

اگرچه اندیشمندانی که ذات خدا را ادراک‌ناپذیر می‌دانند، در محدودیت عقل و کارکرد آن دارای اتفاق نظر هستند؛ لیکن اندیشمندان عقل‌گرا به اعتبار عقل در معرفت دینی باور داشته و آن را در برخی مسائل نظیر ادراک ذات خدا ناکارآمد دانسته‌اند. در مقابل بیشتر اندیشمندان ظاهرگرا و به‌ویژه اهل حدیث، اخباریون و تفکیک‌گرایان به ناکارآمدی مطلق عقل باور داشته و معتقدند نه‌تنها در مسئله شناخت ذات خدا، بلکه در شناخت معارف دینی نباید از عقل استفاده کرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۱۴؛ اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). لذا این دو گروه دو رهیافت متفاوت از محدودیت عقل و کارکرد آن ارائه می‌کنند.

الف) محدودیت عقل در شناخت ذات خدا

در رویکرد عقل‌گرایانه با وجود اعتبار عقل و معرفت عقلی، به محدودیت عقل در ادراک ذات خدا استدلال می‌شود. ادله مختلفی برای محدودیت ادراک قابل طرح است که به آنها اشاره می‌شود.

الف) محدودیت عقل و نامحدود بودن ذات خدا: خدای متعالی خالق تمام اشیاء و واجب‌الوجودی است که نامحدود و نامتناهی می‌باشد. عقل انسان آفریده و مخلوق خداست و موجودی محدود و ممکن است. عقل به سبب این محدودیت و نقایص وجودی، امکان دسترسی و احاطه به خدای نامحدود و نامتناهی را ندارند. عقل معلول خداست و معلول شأنی از شأن‌های علت خود می‌باشد و دسترسی و احاطه کامل به

تمام شئون علت خود ندارد، لذا معرفت و شناخت واجب برای ممکن امکان‌پذیر نیست (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱: ۱ / ۱۳۱ - ۱۳۰؛ اصفهانی، ۱۴۰۱: ۲ / ۲۹۶).

ب) ادراک عالم امر توسط عقل: انسان‌ها دارای ابزارهای معرفتی هستند که هریک در کسب معارف مربوط به خود مؤثر هستند و در موضوعات دیگر کارآمدی ندارند. مثلاً حواس در شناخت عالم ماده و محسوسات به کار می‌روند و نمی‌توان انتظار داشت که با حواس، مسائل عقلی ادراک شوند. عقل نیز در شناخت عالم امر و مجردات کارآمد است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱ / ۲۷۱). از آنجا که خدای متعالی خالق عالم امر و تمام عوالم هستی است، فراتر و برتر از آنهاست، لذا ذات باری تعالی از مسائلی نیست که مورد تحلیل عقلی قرار گیرد (صدرالمآلهین، ۱۳۶۰: ۱۳۱).

ج) منحصر بودن ادراکات عقلی به اوصاف مخلوقات: انسان با مشاهده جهان پیرامون خود، مفاهیمی را تصور کرده و سپس با تجرید آن وصف و کنار گذاشتن اوصاف تشخیصی آن مفهوم در مرتبه تخیل و سپس تعقل، مفاهیم کلی و بدون تشخیصی را تصور می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۰۲؛ همو، ۱۳۷۹: ۳۴۴). بر اساس این رهیافت از مفاهیم کلی، مفاهیم عقلی در حقیقت همان مفاهیم حسی هستند که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند (حفظ ما به الاشتراک و حذف ما به الافتراق) و تفاوت ماهوی با آنها ندارند (همو، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۶۷).

براین پایه، هرچه انسان تصور و تعقل می‌کند، اوصاف و ویژگی‌های موجودات حسی و خارجی است که همگی مخلوق هستند. این در حالی است که خدای متعالی خالق تمام این موجودات است و به اوصاف آنها متصف نمی‌شود، لذا عقل امکان درک ذات خدای سبحان را ندارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۶۵).

تحلیل و بررسی

در این رویکرد از محدودیت عقل در شناخت ذات الهی، استدلال‌هایی مطرح شد که به نظر می‌رسد در اثبات مدعی موفق ظاهر شده‌اند.

البته در استدلال آخر با عنوان «منحصر بودن ادراکات عقلی به اوصاف مخلوقات» صرفاً به ادراکات عقلی که از طریق تجرید و با تفکیک جزئیات و لواحق مادی، مفهوم به صورت معقول و کلی تبدیل می‌شود، پرداخته شده است. در این رهیافت از کلی این استدلال صحیح است؛ اما کلی دارای انواع دیگر نظیر معقولات ثانی فلسفی نیز هست که در آنها عقل بدون تجرید به ادراک کلی می‌پردازد، لذا ممکن است بر این استدلال اشکال شود که عقل مفهوم خدا را به صورت معقول ثانی فلسفی ادراک می‌کند.

ب) محدودیت عقل در مطلق شناخت دینی

اندیشمندان ظاهرگرا و به‌ویژه اهل‌حدیث، اخباریون و تفکیک‌گرایان به عدم اعتبار معرفت عقلی در

شناخت دین باور داشته و شناخت ذات خدا را یکی از مسائل آن می‌دانند. از منظر این گروه برای شناخت دین باید به متون دینی مراجعه کرده و از تعقل و ادراکات عقلی پرهیز شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۱۴؛ اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۲۸؛ قزوینی، ۱۳۸۹: ۴۸). این گروه برای ادعای خود به ادله‌ای تمسک می‌کنند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) وجود خطاهای بسیار در ادراکات عقلی: یکی از ادله عدم اعتبار معرفت‌های عقلی، وجود خطاهای بسیار در ادراکات عقلی است. عقل دارای خطاهای بسیاری است و هرچه دارای خطاهای بسیار باشد، نامعتبر و غیرقابل اعتماد است، لذا عقل و مدرکات آن معتبر نیست (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۱۳۱ - ۱۲۹؛ بحرانی، بی‌تا: ۱ / ۱۳۳ - ۱۲۶). شاهد این سخن، وجود اختلافات فراوان در دانش‌های عقلی نظیر فلسفه است. همچنین فیلسوفان به حکم عقل قطعی به دیدگاهی معتقد می‌شوند و پس از مدتی دیگر، رأی و نظر آنان تغییر یافته و نظر مخالف را موافق با عقل قطعی می‌دانند (قزوینی، ۱۳۸۹: ۳۹ - ۳۷؛ همو، بی‌تا: ۱۳۳ و ۱۳۵)!

ب) وجود روایات ناهی از عقل‌گرایی در معرفت دینی: از دیگر ادله اخباریون روایاتی است که در محل بحث وارد شده و انسان‌ها را تشویق به مراجعه به ادله نقلی کرده و از مراجعه به ادله عقلی باز می‌دارند و حتی به نکوهش عقل می‌پردازند. این روایات را می‌توان در سه قسم تحلیل کرد. دسته‌ای از روایات مستندات معارف دینی را منحصر به ادله سمعی دانسته و سخن گفتن درباره دین از دیگر منابع را منع کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۰۲). دسته دیگری از روایات از ثواب نداشتن اعمال نیکی حکایت دارند که مستند آنها کلام معصومین علیهم‌السلام نباشند (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۸۷). دسته سوم از روایات نیز به نکوهش از مراجعه به عقل پرداخته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۴ / ۱۱۹ - ۱۱۸).

نقد و بررسی

با تأمل در ادله یاد شده به نظر می‌رسد عدم استفاده از عقل در معرفت دینی صحیح نیست و این دیدگاه از اشکالات متعددی رنج می‌برد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) ادله مشوق به تفکر و تعقل: با مراجعه به ظواهر کتاب و سنت مشاهده می‌شود در موارد بسیار فراوانی انسان‌ها به تفکر و تأمل در دین، موضوعات دینی و جهان پیرامون دعوت شده‌اند. چنان‌که از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸۹)، طبق این سخن نبوی اصل تفکر و تعقل مجاز است و مسئله ذات الهی از آن استثناء شده است. امام رضا علیه‌السلام کثرت عبادت را به تفکر درباره خدا دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۶۱). قرآن کریم نیز با

۱. درباره هر چیزی تفکر کنید ولی درباره ذات خدا تفکر نکنید.

عبارت‌های مختلفی نظیر «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۱، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»^۲، «لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۳، «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۴ و همانند آن انسان‌ها را به تفکر و تعقل تشویق کرده است. لذا انکار عقل‌گرایی و تفکر در دین، مخالف با متون دینی و حتی رویکرد ظاهرگرایی است، چراکه ظواهر متون دینی نیز انسان را به عقل‌گرایی توصیه می‌کنند، بنابراین طبق این اشکال رویکرد ظاهرگرایی مورد خدشه قرار می‌گیرد و چه‌بسا بسیاری از ظاهرگرایان به همین سبب به اعتبار اجمالی ادراکات عقلی معتقد شده و با این حال در تعارضات، اصالت و اولویت را با ظواهر متون دینی دانسته‌اند.

در مسئله حاضر نیز منع از تعقل، به سبب محدودیت عقل در شناخت ذات باری تعالی و نه به‌خاطر بی‌اعتباری عقل است، لذا امام صادق (ع) معرفت عقل درباره خدا را (به نحو اقرار و نه احاطه) تأیید کرده است (مفضل، بی‌تا: ۱۷۷).

ب) وجود اختلاف در روش نقلی: ازجمله اشکالات اخباریون وجود اختلاف در میان عقل‌گرایان و به‌ویژه فیلسوفان است. این در حالی است که میان اخباریون و ظاهرگرایان نیز اختلافات فراوانی وجود دارد. اگر علوم عقلی دارای اختلافاتی است، علوم سمعی و نقلی نیز دارای اختلافات گسترده‌ای می‌باشند، لذا اگر وجود اختلاف در میان پیروان یک علم، دلیل بر بی‌اعتباری آن دانش باشد، علوم نقلی و روش ظاهرگرایی نیز نامعتبر خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۹: ۱ / ۵۱).

ج) عدم اعتبار احکام ظنی عقل: عقل دارای دوگونه حکم قطعی و ظنی است. عقلی قطعی دارای احکامی است که به سبب بهره‌مندی از مقدمات معتبر در قالب و صورتی صحیح، یقینی و معتبر قلمداد می‌شوند؛ اما عقل ظنی، به سبب اخلاص در مقدمات یا صورت استدلال، دارای نتیجه‌ای ظنی و غیر یقینی است. به‌موجب حجیت ذاتی قطع و یقین‌آور نبودن ظن، تردیدی در بطلان احکام ظنی عقل نظیر قیاس و استحسان و اعتبار احکام یقینی عقل نیست. باتوجه‌به اینکه دسته‌ای از متون دینی به تأیید عقل پرداخته و دسته‌ای دیگر - که مورد استناد اخباریون است - تمسک به عقل را ناتمام می‌دانند، باید گفت، ادله نقلی موافق عقل، در خصوص احکام قطعی عقل و ادله مخالف عقل، درباره احکام ظنی عقل وارد شده‌اند. به این بیان تعارض میان متون دینی نیز مرتفع می‌شود (همان: ۱ / ۶۱ - ۶۰).

د) تلازم میان عمل به عقل قطعی و عمل به سمع: باتوجه‌به تأیید عقل قطعی توسط متون دینی و ادله نقلی، روشن می‌شود که عمل به احکام یقینی عقل، در حقیقت عمل به سخن اهل بیت و معصومین (ع) است.

۱. شاید ببندیشید.

۲. پس چرا نمی‌اندیشید؟

۳. شاید اندیشه کنند!

۴. آیا نمی‌فهمید؟

مطابق ادله متعدد و فراوان خدا و معصومین علیهم‌السلام انسان‌ها را به مراجعه به عقل قطعی توصیه کرده‌اند. مراجعه به عقل و عمل به مفاد عقل، چیزی جز عمل به سخنان معصومین علیهم‌السلام نیست. روایاتی که از شرطیت ثواب برای عملی که بر اساس سخن خدا و معصومین علیهم‌السلام انجام شود، نیز به همین صورت تبیین می‌شوند. ثواب منوط به حُسن فاعلی است و حسن فاعلی در گرو انجام دستورات به قصد اوامر مولا و معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. از آنجاکه عمل به دستورات عقلی در حقیقت عمل به دستور خدا و معصومین علیهم‌السلام است، دارای حُسن فاعلی و به تبع دارای ثواب است و از مصادیق این روایات نیست.

۲. فلسفه‌های غیر معرفتی (علت‌گرایانه)

بخش دیگر از فلسفه‌های منع از تفکر در ذات خدا، فلسفه‌های غیر معرفتی هستند که به موجب عوامل و زمینه‌های خارجی و پیامدهای نامطلوب تفکر در ذات، از آن نهی و منع شده است. این عوامل در دو قسم «ایجاد مشکلات و پیامدهای ناگوار» و «اختصاص منع از تفکر به غیر متخصصین» قابل تقسیم هستند.

یک. ایجاد مشکلات و پیامدهای ناگوار

ازجمله فلسفه‌های غیر معرفتی منع از خردورزی در ذات خدا، ایجاد مشکلات مختلف برای انسان و پیامدهای ناگوار این تفکر است، لذا متون دینی به نهی و منع از تفکر در ذات الهی پرداخته‌اند تا از وقوع این آسیب‌ها و مشکلات جلوگیری کنند. در ادامه به برخی از مشکلات و نتایج نامطلوب تفکر در ذات الهی اشاره می‌شود.

الف) تحیر و سرگردانی

یکی از مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های تفکر در ذات الهی، ایجاد تحیر و سرگردانی است (مجلسی، ۱۳۶۳: ۷ / ۳۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴ / ۳۸۳). هدف از تفکر و خردورزی معلوم شدن مجهولات و پی‌بردن به مسائلی است که انسان قبلاً از آنها اطلاع نداشته است. انسانی که برای شناخت و درک یک حقیقت به تفکر و تأمل می‌پردازد، انتظار دارد پس از طی مسیر تعقل، به نتیجه رسیده و مجهولات وی به معلومات تبدیل شوند. در صورت تفکر در ذات باری تعالی، این انتظار همراه انسان است و اساساً او برای نیل به ذات خدا به تفکر و تعقل در ذات پرداخته است؛ اما به سبب ادراک‌ناپذیر بودن ذات خدا و محدودیت عقل، انسان هیچ‌گاه به ذات اقدس الهی دست نخواهد یافت و به معلومات این شخص افزوده نخواهد شد. تلاش و تعقل فرد افزایش می‌یابد؛ اما هیچ‌گاه به نتیجه نخواهد رسید و به موجب تعقل و تفکر در ذات خدا متحیر و سرگردان مانده و هیچ‌گاه به مقصود نائل نخواهد آمد.

ب) محدودپنداری خدا

به نظر نگارنده، یکی دیگر از آفت‌های تفکر در ذات الهی محدودپنداری ذات اقدس الهی است. چنان‌که در فلسفه‌های معرفتی بیان شد، ذات خدا قابل ادراک برای انسان‌ها نیست. فردی که خدای متعالی را موجودی بسیط و نامتناهی بداند، طبیعتاً به دنبال تفکر و احاطه بر ذات خدا نیست، چراکه می‌داند موجود متناهی، هیچ‌گاه بر موجود نامتناهی احاطه نخواهد یافت؛ اما فردی که در پی شناخت ذات خداست، در حقیقت خدای سبحان را موجودی غیر بسیط، متناهی و محدود پنداشته که می‌توان به حقیقت آن پی برد، لذا تفکر و تعقل درباره ذات خدا، به معنای این است که انسان در پیش‌فرض خود، خدا را موجودی محدود قرار داده و با تعقل به دنبال کشف این موجود است، از این‌رو صرف اقدام به تعقل و تفکر درباره ذات خدا و فارغ از نتایج حاصله، به معنای عدم شناخت صحیح خدا و محدودپنداری اوست.

ج) کفر و شرک

از دیگر آسیب‌های تفکر در ذات الهی، کفر و شرک است. انسانی که به تفکر در ذات باری تعالی می‌پردازد، یا مسیر تفکر و تعقل را صحیح پیموده و به هیچ نتیجه‌ای دست نمی‌یابد و یا مسیر را به اشتباه پیموده و مفاهیم و تصوراتی از خدا در ذهنش نقش می‌بندد. در فرض نخست، چه‌بسا فرد گمان کند که چون مسیر تفکر درست بوده و نتیجه‌ای حاصل نشده است، لذا اساساً خدایی وجود ندارد و به انکار وجود خدای متعالی و کفر می‌رسد. در فرض دوم نیز فرد اوصاف مخلوقات و موجودات محدود را به خدای خالق و نامحدود نسبت داده و در نهایت به شرک در ذات و صفات مبتلا می‌شود^۱ (مازندرانی، بی‌تا: ۳ / ۲۰۴).

به همین سبب است که حضرت علی علیه السلام نتیجه تفکر در ذات الهی را الحاد و زندیق شدن دانسته است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۴۹؛ کلینی ۱۳۶۵: ۸ / ۲۲). زندیق کافری است که به اسلام تظاهر می‌کند و معنایی مشابه منافق دارد (حلی، بی‌تا: ۵ / ۵۶). طبق این فرمایش امام علی علیه السلام نتیجه تفکر در ذات الهی کفر و شرک است؛ اما از آنجا این فرد در ظاهر مسلمان است، به او زندیق اطلاق شده است.

د) گمراهی و هلاکت

از دیگر مشکلات تفکر در ذات الهی گمراهی و هلاکت است که در متون دینی به آن تأکید فراوانی شده است (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸۹؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۳۷).

باتوجه به استحاله ادراک ذات الهی، تفکر و تعقل در ذات الهی به گمراهی معرفتی انجامیده و سبب شده تا انسان برداشت صحیحی از خدا نداشته باشد و چنان‌که گذشت این سوءبرداشت‌ها به کفر و شرک

۱. شرک در ذات به این نحو که ذات خدای متعالی موجودی مرکب و دارای ابعاد مختلف تلقی شده و شرک در صفات نیز به این صورت که صفات مخلوقات به خالق نسبت داده شود.

منتهی می‌شوند. این گمراهی معرفتی انسان را به وادی هلاکت وارد ساخته و با کفر و شرک، آخرت انسان نابود گشته و هلاکت ابدی گریبان گیر او می‌شود.

هـ) اعتقاد به تشبیه و تعطیل

از دیگر نتایج نامطلوب تفکر در ذات الهی، اعتقاد به تشبیه و تعطیل است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد که آیا می‌توان خدای سبحان را شیء نامید؟ امام علیه السلام پاسخ دادند که در صورتی که به تشبیه و تعطیل گرفتار نشوید، می‌توانید خدا را شیء بدانید (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۳۳۳).

گذشت که تفکر در ذات الهی به سبب ادراک ناپذیری ذات خدا و محدودیت عقل امکان‌پذیر نیست، لذا نه تنها سبب معرفت و شناخت نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد موجب گمراهی و انحراف از مسیر صحیح می‌شود. از جمله دیگر انحرافات تفکر در ذات الهی، اعتقاد به تشبیه و تعطیل است (خوانساری، ۱۳۸۴: ۵ / ۳۰۵).

کسی که در ذات الهی تفکر می‌کند، به سبب انس با موجودات جسمانی و مفاهیم مأخوذ از مادیات، خدای سبحان را متصف به اوصاف موجودات مادی و محدود کرده و با این مفاهیم خدا را تصور می‌کند، لذا گرفتار مسئله تشبیه شده و باری تعالی را همانند مخلوقات در نظر می‌گیرد. این در حالی است که طبق آیه شریف «أَيُّسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^۱ (شوری / ۱۱)، خدای متعالی هیچ شبیه و نظیری ندارد.

همچنین ممکن است فردی که در ذات باری تعالی تفکر می‌کند، برای دوری از تشبیه، خدای متعالی را منزله از هرگونه صفات دانسته و قائل به تعطیل معرفت خدا شود. این در حالی است که اگرچه ادراک ذات باری تعالی محال است؛ اما این به معنای تعطیل معرفت و شناخت خدا نیست و خدای متعالی صفات مختلف خود را در قرآن برای انسان‌ها بیان کرده و متون دینی نیز انسان‌ها را به خداشناسی دعوت کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۶۱) و انسان می‌تواند خدا را به صورت اجمالی و به صورت اثبات بدون تشبیه و از طریق صفاتش بشناسد (ابن بابویه، ۱۴۱۶: ۱۰۷).

دو. اختصاص منع از تفکر به غیر متخصصین

با مراجعه به متون دینی مشاهده می‌شود که انبیاء عظام و ائمه اطهار علیهم السلام با هر مخاطبی در سطح درک و عقل همان فرد صحبت می‌کردند. چنان‌که از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»^۲ (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۹۵)، همچنین درباره مناظره و بحث‌های کلامی و

۱. هیچ چیز همانند او نیست.

۲. ما جماعت پیامبران با مردم به فراخور فهم و خردهایشان سخن می‌گوییم.

اعتقادی، افرادی که بدون توجه به فرمایشات معصومین (ع) و با نظرات شخصی خویش به بحث و جدل می‌پرداختند، از مباحث کلامی نهی شده و افراد آگاه و روش‌مند به مباحث کلامی تشویق شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۷۳ - ۱۷۲).

با مبنا قرار دادن این سخن که نهی از مسائل کلامی، مخصوص افراد ناآگاه و غیر متخصص است و شامل متخصصین نمی‌شود، چه‌بسا گمان شود که نهی از تفکر در ذات خدا - که مسئله‌ای کلامی است - نیز از این قبیل است و حکما، متکلمان و متخصصان می‌توانند در مسئله ورود کرده و ذات خدا را بشناسند و نواهی وارد شده در متون دینی برای عموم مردم است که سر رشته‌ای از مباحث عقلی، فلسفی و کلامی ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۵۳).

پاسخ امام حسن عسکری (ع) به نامه سهل بن زیاد، یکی از مؤیدات این احتمال است. سهل از امام عسکری (ع) درباره خدا و توحید پرسید، درحالی که برخی از مردم قائل به جسم و برخی دیگر قائل به صورت داشتن خدا شده‌اند. امام حسن عسکری (ع) در ابتدای پاسخ نوشتند: «سَأَلْتُ عَنِ التَّوْحِيدِ وَ هَذَا عَنْكُمْ مَعْرُوءٌ»^۱ (کلینی ۱۳۶۵، ۱: ۱۰۳)، طبق این پاسخ، مردمی که برای خدا جسم و صورت قائل می‌شوند، توانایی بحث و بررسی درباره توحید و خدا را ندارند و لذا اصلاً لازم نیست که در مسئله تفکر کنند و صرف تصدیق مطالبی که در قرآن درباره خدا آمده برایشان کافی است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۰: ۳ / ۱۸۸). اما افرادی که می‌توانند و از عقول کامل بهره می‌برند، می‌توانند در شناخت توحید و خدا وارد شوند و خدا را بشناسند.

تحلیل و بررسی

به نظر نگارنده می‌رسد که این دلیل و احتمال باطل است و نهی از تفکر در ذات خدا، هیچ استثنایی نداشته و شامل همگان می‌شوند، چراکه در فلسفه‌های معرفتی بیان شد که درک خدا به دو دلیل ادراک‌ناپذیری ذات خدا و محدودیت عقل و کارکرد آن امکان‌پذیر نیست. بر فرض که عقل فیلسوفان کامل و مشکل دوم مرتفع گردد؛ اما همچنان ذات الهی ادراک‌ناپذیر است و هر مقدار عقل انسانی کامل باشد، ذات الهی در آن حلول نخواهد کرد.

ضمن آنکه عقل فیلسوفان و حکما برتر و کامل‌تر از عقل انبیاء و ائمه اطهار (ع) نیست. مطابق ادله مختلف عقلی و نقلی، حتی انبیاء و اولیاء الهی نمی‌توانند به ذات باری تعالی علم پیدا کنند؛ آن‌گاه چگونه حکما و فیلسوفان - که در حکم شاگردان این حضرات هستند - موفق به چنین کاری می‌شوند! لذا مشکل دوم نیز مرتفع نخواهد شد.

۱. از مسئله توحید سؤال کردی و این مسئله از شما جدا شده است.

به این مطلب، خود حکما و عرفا نیز اشاره دارند: «أما الذات فقد حارت الأنبياء و الأولياء عليهم السلام فيها»^۱ (به نقل از: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۵) و حضرت علی علیه السلام نیز در روایت «لا يُدركه بُعد الهيم و لا يناله غوص الفطن»^۲ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹) به آن اشاره کرده است.

باتوجه به نکات یاد شده، روشن می‌شود که ادراک ذات باری تعالی برای هیچ انسانی امکان‌پذیر نیست و حکمایی چون علامه طباطبایی نیز بر این مطلب دلایلی اقامه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۱۹: ۱۶ - ۱۵). با دقت در آثار علمی علامه طباطبایی مشخص می‌شود که ایشان به استحاله ادراک ذات خدا باور دارد (همان). با کنار هم قرار دادن مجموع عبارات ایشان، می‌توان نتیجه گرفت که علامه معرفت ذات الهی را محال می‌داند؛ اما تفکر در صفات و ویژگی‌های خدا را ممکن دانسته است؛ اما این تفکر نیز به سبب صعوبت آن برای همگان مقدور نیست و اهل عقل، منطق و فلسفه می‌توانند در این وادی وارد شوند.

چنان‌که در روایت امام حسن عسکری علیه السلام نیز به همین مسئله اشاره شده است. سؤال سهل از اوصاف و نه ذات الهی بود که امام علیه السلام در پاسخ فرمودند، بحث درباره این مسائل از شما برداشته شده و لازم نیست درباره اوصاف الهی بحث کنید و به آنچه در قرآن آمده اعتقاد داشته باشید؛ اما «غیر شما» یعنی افراد متخصص و آموزش دیده می‌توانند وارد بحث اوصاف الهی شوند.

نتیجه

در این تحقیق مسئله فلسفه منع از خردورزی در ذات خدا مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که، مسئله نهی از تفکر در ذات باری تعالی در حقیقت هدایت انسان‌ها به حکم عقل است که آن نیز انسان‌ها را از تدبر و تفکر در ذات الهی منع می‌کند. در این مقاله روشن شد که فلسفه منع از تفکر در ذات الهی به دو قسم فلسفه‌های معرفتی (دلیل‌گرایانه) و فلسفه‌های غیر معرفتی (علت‌گرایانه) قابل تقسیم می‌باشند.

اندیشمندان عقل‌گرا از سویی به ادراک‌ناپذیری ذات خدا باور دارند و از سوی دیگر انسان و عقل او را محدود دانسته و به عدم دستیابی عقل و ادراک انسانی به خدا معتقد هستند. در ادراک‌ناپذیری ذات خدا، نسبت ادراک شدن به خدا، عدم ملکه است و اساساً ذات الهی به ادراک و عدم ادراک متصف نمی‌شود؛ اما در محدودیت عقل و کارکرد آن، ذات خدای متعالی مجهول برای انسان و عقل اوست.

اندیشمندان ظاهرگرا در مسئله دارای اختلاف‌نظر هستند. برخی از اندیشمندان ظاهرگرا به همراه اندیشمندان عقل‌گرا به استحاله ادراک‌پذیری ذات الهی معتقد شدند؛ اما دلیل خویش را صرفاً ادله نقلی

۱. اما ذات الهی، انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام در آن سرگردان شدند.

۲. خدایی که بلندی همت‌ها او را در نیابد و ژرفی اندیشه‌ها به او نرسد.

بیان کرده‌اند. این گروه به محدودیت عقل در معرفت دین باور داشته و عقل را در تمام معارف دینی - که از جمله آن معرفت ذات خداست - ناکارآمد می‌دانند.

در مقابل بخش دیگری از اندیشمندان ظاهرگرا به ادراک‌پذیری ذات خدا باور دارند. این گروه نیز به محدودیت عقل در معرفت دینی باور دارند و عمدتاً مسئله ادراک ذات خدا را به آخرت و پس از رؤیت خدا موکول می‌کنند.

تفکر و تعقل در ذات باری تعالی عامل ایجاد مشکلات و پیامدهای ناگواری می‌شود. در کنار این علت، اختصاص منع از تفکر به غیر متخصصین از دیگر فلسفه‌های غیر معرفتی منع از تفکر در ذات خداست. نگارنده با توجه به مطالب مطرح در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که، ذات الهی ادراک‌ناپذیر است و عقل بشری حتی اگر به عالی‌ترین درجات نائل شود، نخواهد توانست به ذات الهی احاطه یابد، لذا منع از تفکر در ذات خدا، به غیر متخصصین اختصاص نداشته و این منع، عمومی و شامل همگان حتی انبیا و اوصیا الهی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

نهج البلاغه. سید رضی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). **من لا یحضره الفقیه**. مقدمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). **عیون أخبار الرضا (ع)**. تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: جهان.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۶ ق). **التوحید**. تصحیح هاشم حسینی طهرانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). **المبدأ و المعاد**. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکی گیل با همکاری دانشگاه تهران.

۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). **الاشارات و التنبيهات**. قم: نشر بلاغت.

۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). **النجاة من الفرق فی بحر الضلالات**. تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.

۷. استرآبادی، محمد أمين (۱۴۲۶ ق). *الفوائد المديّة*. تحقيق رحمت الله رحمتی اراکی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
۸. اشعری، ابوالحسن (۱۳۹۷ ق). *الابانة عن اصول الديانة*. طائف: مكتبة دار البيان.
۹. اصفهانی، محمد تقی (۱۴۰۱). *مکیال المکارم*. قم: انتشارات جمکران.
۱۰. اصفهانی، میرزا مهدی (۱۳۸۵). *ابواب الهدی*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۱). *تقریرات فلسفه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ ق). *فوائد الأصول*. قم: مجمع الفكر الإسلامي.
۱۳. بحرانی، یوسف (بی تا). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، تحقيق محمدتقی ایروانی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*. قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۵. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة*. تهران: دانش.
۱۶. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۰۹ ق). *شرح المقاصد*. قم: الشریف الرضی.
۱۷. جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۵). *فلسفه علم کلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. جرجانی، میر سید شریف (۱۳۲۵). *شرح المواقف*. تصحیح بدرالدین نعلانی. قم: الشریف الرضی.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن*. تنظیم حیدرعلی ایوبی. قم: مرکز نشر اسراء.
۲۰. حسینی شاهرودی، سید مرتضی و فرزانه رنجبرزاده (۱۳۹۷). *نقد و بررسی گفتمان امکان یا امتناع شناخت خدا*. ۹ (۲-۱). ۶۴-۳۹.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تحقيق حسن حسن زاده آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. حلی، حسن بن یوسف (بی تا). *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية*. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۳). *کلام جدید*. قم: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.
۲۴. خوانساری، محمد (۱۳۸۴). *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۴۰۰). *در قلمرو وجدان*. تهران: سروش.

۲۶. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۲۷. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۷۰). *شرح اصول کافی*. تصحیح محمد خواجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۸. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۷۵). *مجموعه رسائل فلسفی*. تهران: حکمت.
۲۹. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۷۸). *المظاهر الالهية فی اسر العلوم الکمالية*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۳۰. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۹۸۱ م). *الحكمة المتعالية فی الاسفار العقلية الاربعة*. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۱۹ ق). *الرسائل التوحيدية*. بیروت: مؤسسه النعمان.
۳۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۳۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین*. قم: انتشارات رضی.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۷ ق). *المحصل و هو محصل افکار المتقدمین و المتأخرین*. قاهره: مکتبه دار التراث.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۹۸۶ م). *الاربعة فی اصول الدین*. قاهره: مکتبه الکلیات الأزهرية.
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر (بی‌تا). *تفسیر مفاتیح الغیب*. استانبول: شرکه صحافیة عثمانیة.
۳۷. فیض‌کاشانی، محسن (۱۴۰۶ ق). *الوافی فی شرح اصول الکافی*. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۸. قزوینی خراسانی، مجتبی (۱۳۸۹). *بیان الفرقان فی توحید القرآن*. قم: دلیل ما.
۳۹. قزوینی خراسانی، مجتبی (بی‌تا). *رساله‌ای در نقد اصول یازده‌گانه ملاصدرا*. نسخه خطی موجود در کتابخانه موسسه معارف اهل بیت علیهم السلام. بی‌جا: بی‌نا.
۴۰. قونوی، صدرالدین (۱۳۸۱). *اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن*. تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی. قم: بوستان کتاب.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۴۲. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
۴۳. مازندرانی، ملاصالح (بی‌تا). *شرح الکافی*. تهران: مکتبه الاسلامیه.

۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *مرآة العقول*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۶. مفضل بن عمر (بی تا). *توحید المفضل*. تحقیق علی فضل عمر جحفی. قم: داوری.
۴۷. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق). *أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات*. قم: دار المفید.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *پیام قرآن*. قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۴۹. نیل ساز، نصرت و مجید معارف و زهره بابااحمدی میلانی (۱۳۹۲). *امتناع معرفت کنه ذات و صفات الهی در نهج البلاغه*. ۴۵ (۴ - ۳). ۱۵۶ - ۱۳۵.
۵۰. نوراللهی، سید محمد و سید حسن میرنوراللهی (۱۳۹۳). *مقارنه در روایات منع تفکر در ذات خدا با روایات وصول به حق از طریق تفکر در ذات خدا*. ۹ (۴). ۱۸۴ - ۱۶۳.